

بررسی یک مجموعهٔ رقعات خطی شیخ محمد علی حزین لاهیجی

علی زمانی علویجه*

محمد علی بن ابی طالب لاهیجی اصفهانی تولد اصفهان ۱۱۰۳ هـ ق (۱۶۹۲ م) وفات بنارس ۱۱۸۱ هـ ق (۱۷۶۷ م) از اعقاب شیخ زاهد گیلانی، اجدادش در لاهیجان سکونت داشتند و پدرش از آنجا به اصفهان رفت و محمد علی در اصفهان متولد شد و در حملهٔ افغانها از اصفهان بیرون رفت و پس از سفر به بلاد ایران، عراق، حجاز و یمن به هند شتافت. کتابی در احوال شاعران به نام تذکرهٔ حزین و سرگذشتی از خود با ذکر حوادث ایام به نام خویش تاریخ حزین دارد. سخن او حدّ فاصلی بین شعر کهن فارسی و سبک هندی است.^۱

در مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور، دهلی‌نو که با مساعی ارزندهٔ آقای دکتر مهدی خواجه‌پیری، زید عزّه برای حفظ میراث خطی ایران و جهان اسلام پایه‌گذاری شده دو مجموعه رقعات شیخ محمد علی حزین وجود دارد که به شمارهٔ ۵۱۴/۵ در ۲۴ برگ و ۱۴۲/۴ در ۱۰۲ برگ [۲۸۶/per3 و ۲۸/۹ ۸۹۱/۵۵] ثبت شده است.^۲ نگارنده در فرصت محدود بر آن شدم تا در خصوص نشر محتویات مجموعهٔ رقعه شمارهٔ ۵۱۴/۵ مطالبی را یادداشت نمایم.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور و استاد مهمان فارسی در جامعهٔ ملیّه اسلامیّه، دهلی‌نو.

۱. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۴۵۸.

۲. فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی (ج اوّل)، کتابخانهٔ مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره، هند، مرکز بین‌المللی میکروفیلم نور، هند با همکاری دانشگاه اسلامی علیگره، دهلی، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۳۳.

این مجموعه شامل ۴۳ رقعہ می‌باشد که دو رقعہ آن تکراری است، رقعہ سی و سوم تکرار رقعہ هفدهم و رقعہ سی و ششم تکرار رقعہ بیست و یکم می‌باشد. از خصوصیات این مجموعه ناخوانا بودن و محوشدگی کلمات نسبت به مجموعه‌های دیگر است.

محتویات رقعات حزین در فصل معرفی نامه‌ها می‌آید متأسفانه مخاطبان نامه‌های حزین مشخص نمی‌باشند این مجموعه رقعات سال ۱۲۵۳ هجری را شامل می‌شود و نام کاتب نیز در آن نیامده است.

رجال رقعات در مجموعه ۵۱۴/۵ به‌شمار ذیل می‌باشد:

معمولاً افراد مختلفی که از دوستان، صاحب منصبان و اهل علم، نام افراد پیک و افراد مشهور از جمله بعضی فرماندهان و امرای نظامی در نامه‌های حزین ذکر شده است. نامهایی مانند محمد مهدی، صفی قلی بیک، نادر شاه، راجه رام نراین، سردار طهماسب جلایر، رضا قلی میرزا، ابوالفضل خان، خان صاحب، حسین افغان، ناصر خان، میرزا صاحب میرزا علی‌رضا، میرزا عبدالرحیم، سید عمادالدین خان، نواب صاحب، میرزا محمد افضل، محمد طاهر خان صاحب، شیرافکن خان صاحب (نواب بنده علی خان باسطی)، حاجی آقا محمد، شیخ بهاءالدین محمد براتی، میرزا امام قلی، میرزا عبدالرحیم، مؤمن خان، محمد شاه، میرزا محمد علی، میرزا محمد فاضل، عبدالحمید خان...

دو مجموعه رقعات حزین نخستین بار در مجله سفینه در لاهور^۱ و سپس به‌صورت پیوست مجله آئینه میراث (سال سوم) ضمیمه شماره ۳، سال ۱۳۸۴، توسط دکتر عارف نوشاهی به‌چاپ رسیده است از آنجا که در این مجموعه مورد بررسی (۵/۵۱۴) تعداد ۴۳ رقعہ وجود دارد که از این ۴۳ رقعہ تعداد ۲ رقعہ تکراری است از بین ۴۱ رقعہ تعداد ۱۶ رقعہ در مجموعه چاپ شده آقای دکتر عارف نوشاهی وجود دارد و تعداد ۲۵ رقعہ نیز در مجموعه نامبرده نیست و برای اولین بار نشر می‌یابد. به‌دلیل اهمیت موضوع نگارنده رقعہ‌های نشر شده مشترک را ذکر نموده و به‌معرفی رقعہ‌های چاپ

۱. ج ۲، شماره ۱، سال ۱۳۸۳ ش/۲۰۰۴ م، ص ۵۷-۷.

نشده با شرایط ناخوانا بودن در متن می‌پردازد تا گوشه‌ای از ابهامات زندگی و تاریخ اجتماعی عصر حزین آشکار شود.

رقعهٔ اول: حزین به‌غارت از جانب سپاه قزلباش به‌قندهار خبر می‌دهد و اعلام می‌دارد که صوبه‌دار این شهر اجازه نمی‌دهد که حقایق شهر به بیرون از شهر روانه شود و بیان می‌کند که خبر فتح قندهار توسط سپاه نادر باید مخفی بماند او به‌دنبال راه مفری است و به‌نقل از تعدادی مردم فهمیده کابل که در قندهار ساکنند می‌گوید که تفرقه بسیار به آن حدود راه یافته است.^۱

در این نامه مشخص می‌گردد که حزین نزد هندیان مرجعیت اخلاقی و اکرامی داشته است و به‌دلیل درستکاری و امین بودن وی کمکها و نذورات مردمی در اختیار او گذاشته می‌شده تا به فقرا و هرکس که او تشخیص داد، بدهد.

رقعهٔ دوم: او شکایت از دیار لاهور دارد و تصمیم حرکت به‌مُلتان یا قندهار دارد که در ادامه ذکر می‌کند که چون رفتن به قندهار فقط از طریق خداآباد میسور است عبور از آنطرف متصور نیست لذا از رفتن به سوی قندهار خودداری می‌کند. لازم به ذکر است که رقعهٔ دوم طولانی‌تر از رقعه‌های دیگر و با غزلی به زبان عربی شروع و ادامه می‌یابد.^۲

رقعهٔ سوم: در این رقعه آمده است اخبار واقعه رسیدن نادر شاه به شهر کابل و شکستن برخی از قلعه و امان خواستن محصورین و برآمدن مردم به تمامی از قلعه و بخشیدن جرم قلعه‌دار و قسمت نمودن تمام یراق قلعه به سپاه و ملحق شدن بسیاری از زمینداران نواحی و فراری شدن هرکه نام افغان بر او اطلاق می‌شد و فرار مردم از مسلم و کافر از پیشاور و تعهد تسلیم نمودن صوبهٔ مُلتان، در این رقعه کاملاً اضطراب و ترس از نوشتهٔ حزین پیداست زیرا او در ادامهٔ رقعه می‌آورد: حق تعالی نجات و خلاص کرامت فرماید و خاتمه مکارهٔ زندگانی را به جبر گرداند.^۳

۱. این رقعه در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

۲. همان.

۳. همان.

رقعه چهارم: با جمله «صاحب دل و جان سلامت» شروع می‌شود و تاریخ شنبه شهر ربیع‌الثانی نوشته شده حزین اظهار می‌دارد. هنوز رمقی از حیات باقی، و در قید زندگانی اسیر است (او اظهار می‌دارد) چند روز قبل بوساطت محمد مهدی، صدیقی، نامه‌ای ارسال شد که حاکی از شدت امراض بود امید آنکه رسیده و جواب صادرگردیده باشد.^۱

رقعه پنجم: در رقعه پنجم رویکرد حزین رویکرد سجع‌پردازانه و زیباییهای بدیعی در کلام او غلبه دارد. برای نمونه (چه توانم نوشت که رابط دل و زمان از هم گسسته است. خاطر غم‌اندوز در شکنجه این دلستان جان سوز چون طفل نوآموز... غنچه دل با همه دستگاهی که در پرده داشت چون گل شبنم زده جز گوهر اشک نقدی به دامانش نیست) در این مرقومه حزین سه بیت به صورت فرد آورده است که کاملاً آشکار است هنگامی که در نوشتن نامه احوالی خوش دارد و خطری در بین نیست میل به شعر گفتن در سخن او زیاد می‌گردد.^۲

رقعه ششم: در رقعه عنوان می‌نماید که: هنوز معلوم فقیر نیست که سرنوشت قلعه‌دار کابل به کجا رسیده است و چند نفر انصراف به هندوستان داده بودند همراه ایشان صفی قلی بیک نامی را به پیغام‌گذاری روانه نموده بودند صفی قلی مذکور را با چند نفری که همراه داشته در جلال‌آباد کشته‌اند و این خبر به او (نادر شاه) رسیده مبلغی به اهل کابل جریمه به صیغه مال امان حواله نموده و سخنان نشنیدنی و ناگفتنی بسیار گفته و تغییر کلی در سلوک داشته بعد ادامه می‌دهد که مکرر ایلچیان فرستاده‌ایم و جواب ناصواب شنیده و قاصدی دیگر فرستاده‌اند و گفته‌اند که افغان دزد است و در حدود شما گریخته ایشان را جا و راه ندهید) الحال با گذاشتن این حدود است یا اگر داعیه باشد مهیای کارزار شدن.^۳

۱. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

۲. همان.

۳. همان.

رقعهٔ هفتم: این رقعه با عبارت صاحب داعیان سلامت شروع شده و در آن حزین از شدت آلام و اسقام خود شکایت دارد عنوان می‌نماید که در تاریخ عصر سه‌شنبه دوم شهر شوال از محروسهٔ لاهور به سمت فتح‌آباد حرکت نموده و از آنجا به‌علت فرط ناامنی طریق معمول را صلاح ندید به سمت هوشیارپور به سلامت رسید و در ادامه عنوان می‌نماید که باید هرچه سریعتر حرکت کرد، او از حرکت نادر شاه ازبک خبر می‌دهد و قصد مردم را حرکت به سوی گجرات می‌داند.^۱

رقعهٔ هشتم: که پنج سطر بیشتر نیست از اینکه ممدوحش در مقام تسلی دادن او بوده تشکر می‌کند. این نامه در پنجم جمادی‌الاولی نوشته شده است.^۲

رقعهٔ نهم: در این نامه می‌آورد صاحب دلنواز من، امیدگاه من، چه نویسم که از سراب مساعدت چه کشیده و می‌کشد و با غم مسکینی و الم کربت در وحشت کدهٔ دهر که قحط سال مردمیست چگونه به‌سر می‌رود.^۳

رقعهٔ دهم: که در حاشیهٔ آن آمده رقعه برای راجه رام نراین دیوان سرکار بنگاله در این نامه با خوشحالی عنوان می‌دارد که کلّ ماوراءالنهر بلامنازع به‌حوزهٔ تصرف آمد و بیان اجمالی آن این است که بعد از تصرف خوارزم و بلخ و اندخود... و سلوک و سعی در مراسم مأموری سردار که طهماسب جلایر است با رضا قلی میرزا و عساکر بخارا ابوالفیض خان بعد از سه یوم اختیار ضبط حصار فرار نموده و شهر بعد از نصف روز شیوع قتل عام امان یافته بعد از چندی به‌اختیار یا به‌اضطرار ابوالفیض سردار التجاه آورده، در پایان نامه نیز این بیت را آورده است:

آنکه دائم هوس سوختن ما می‌کرد کاش می‌آمد و از دور تماشا می‌کرد^۴

رقعهٔ یازدهم: که پنج سطر است از اظهار مودت سرور خود در ارسال نامه تشکر می‌کند و عنوان می‌نماید که پاسخ این کلام از روی اجمال نیز متوهم ملال است.^۵

۱. این رقعه در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

رقعه دوازدهم: در این رقعه عنوان می‌دارد که خان صاحب، امید گاه من اینک نیمه محرم است و برای حرکت پنجشنبه چهارم مدتظر است تا خدا چه خواهد در ادامه می‌نویسد دیروز اخبار متضمن فتح قندهار بود که همه قلعه به تصرف سردار قزلباش درآمده، حسین افغان زنده دستگیر شده چون این اخبار محقق شده بود به خدمت گرامی اظهار نمودم^۱.

رقعه سیزدهم: در این رقعه بیماری خودش را شرح می‌دهد که به اسهال کبدی مبتلا شده‌ام و در شبانه روزی چهل و پنج شش دفعه خون بلکه پاره‌های جگر می‌بینم در ادامه می‌نویسد در سیزدهم شعبان فوجی قزلباش سر ناصر خان آمده جمعی را مقتول با ده دوازده سوار به قلعه آنک داخل شدند دیگر خبر صحیح از این معامله نرسید. در سرآغاز این نامه آمده است: در هنگام رفتن از عظیم‌آباد به طرف بنارس تحریر فرموده‌اند که به نظر می‌رسد ادامه افتادگی دارد^۲.

رقعه چهاردهم: در این نامه در پاسخ به پرسش حال خود با کاربرد نثری مسجع و تا اندازه‌ای متکلف قدرت بشری را عین عجز و اضطرار می‌داند خاصه در حالی و روزگاری که مساعد معدوم و موانع افزون از حد حاضر و موجود باشد^۳.

رقعه پانزدهم: از دوستان روحانی توقع دارد که در اوقات حسنه خویش توفیق بر اعمال نیک در حق این شکسته از جانب واهب العطايا مسئلت نمایند که امید اجابت است^۴.

رقعه شانزدهم: این نامه نیز مرجع مشخصی ندارد و تحریر آن در جمع یازدهم ماه می‌باشد در این نامه حزین از ارسال مراسلات و نرسیدن به مقصد شکایت دارد ظاهراً صرافان کار ارسال مراسلات را بر عهده داشته‌اند. زیرا حزین می‌نویسد:

صاحب من از دکان صراف گاهی باید استفسار مراسلات فرموده در این نامه حزین نقل مکان خود را از خانه قبلی که همراه با بیماری او بوده ذکر می‌کند و می‌آورد (ناچار

۱. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

از آن مکان که او در بیماری بسر بردند به هزار مشقت برخاسته به خانهٔ دیگر که سنوات سابقه چندی در آنجا نیز مانده بود نقل و تحویل نموده قریب یک ماهی می‌شود که در این دیر به نزدیکتر کرایه‌نشین است و اما الحمد عارضه تازه در این مدت عارض نگردیده. در این نامه به میرزا صاحب میرزا علی رضا سلام می‌رساند و همچنین در نامه حزین آخرین ملجاء خود را بنارس می‌داند و می‌گوید «آخر اگر هیچ‌گزیر نماند به بنارس رسیده عازم خزانه شهر باید شد»^۱.

رقعهٔ هفدهم: در این رقعه حزین وصول نامه‌ای را که تحریر چهاردهم بوده در روز هجدهم بیان می‌کند و در این نامه از شدت گرما و متروک بودن غذا و شربت آبهای گرم ناگوار شکایت دارد و عنوان می‌کند جواب میرزا عبدالرحیم نیر ملفوف است و جواب سید عمادالدین خان صاحب نیز به شرط حیات فردا مرسل می‌شود در این نامه نواب صاحب را سلام مخصوص می‌رساند^۲.

رقعهٔ هجدهم: این نامه این‌گونه آغاز می‌شود: «صاحب والامقام سلامت، مرقومهٔ نوزدهم امروز که بیست و چهارم است رسیده تسلیه بخشید هر مکتوبی که رسید همان روز تا روز دیگر ارسال جواب نموده دیگر از این که همه مراسلات شریفه رسیده یا نه و رسائل محبت همه می‌رسد و یا تلف می‌شود اطلاعی نیست... چیزی که قابل تحریر باشد نیست»^۳.

رقعهٔ نوزدهم: این رقعه محتوی احساسات حزین نسبت به صاحب خویش است برای نمونه چند جمله از این نامه ارائه می‌گردد «دوست بی‌قرینه سلامت، در مدت

۱. این رقعه در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود دارد. با این تفاوت بیش از دو سوم نامه در نسخهٔ چاپی ایشان به شمارهٔ (۳۹ ص ۸۰ آیینة میراث سال سوم ضمیمهٔ سال ۱۳۸۴) وجود ندارد و در مواردی نیز متن نامه اشتباه خوانده شده است. از جمله «حیات باقی است» که در نسخهٔ چاپی آقای عارف نوشاهی «حیا باقی است» و «یازدهم» نیز «پانزدهم» خوانده شده و «چند مرقومه مسرت»، «چند مرقومهٔ محب» خوانده شده است.

۲. این رقعه در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود دارد و در سطر آخر بجای واژهٔ «رقعه»، «رفته» صحیح است.

۳. این رقعه در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

فرصت هیچ‌گاه از یادآوری ذاهل نبوده چون شرح شوقمندی و الم دوری و افزون از حوصله نگارش می‌دهد^۱.

رقعه بیستم: در این نامه مشخص می‌گردد که حزین نزد هندیان مرجعیت اخلاقی و اکرامی داشته است و به دلیل درستکاری و امین بودن وی کمکها و نذورات مردمی در اختیار او گذاشته می‌شده تا به فقرا و هرکس که او تشخیص داد، بدهد. این نامه در چهارشنبه پنجم ماه نوشته شده است. قسمتی از متن نامه: «حساب و سررشته جنس دنیا قابل و لایق التفات نبوده و نیست یک لقمه غذای خود است و لباس جامه کرباس سه چهار ساله در بر است به مصرف خود هیچ صرف نمی‌شود الا بسیار قلیل این همه قرض به سبب اخراجات بسیار این ملک است خاصه سفر که هیچ‌جا اقامت نمی‌شود که اسباب فقر مردم [رنج] سفر تخفیف دهد... مسافروار نشسته‌ام، به هر تقدیر خدا به فریاد رسد و مشغول‌الذمه احدی نگذارد، هندی یکهزار رویه رسید و قبض‌الوصول آن جدا نوشته، ملفوف است» در این نامه از اوضاع حاکم بر روزگار خود شکایت دارد و می‌گوید خدا کند این هنگامه که زبان کلی جمیع عباد بلاد است زود فرو نشیند در این نامه از میرزا محمد افضل و مجدالدوله بهادر تشکر می‌کند و عنوان می‌کند که جواب مراسله سید عمادالدین خان را قبلاً ارسال داشته‌ام و دو کلمه به میرزا محمد افضل قلمی شده ملفوف است^۲.

رقعه بیست و یکم: این رقعه به تاریخ روز شنبه دهم شعبان است مرقومه شریفه سیم^۳ شعبان تسلیه بخش گردید. در این نامه ذکر می‌کند که جواب رقعه محمد خان صاحب را داده است و عنوان می‌نماید که دو سه روز است که باران به شدت می‌بارد و می‌خواهد که «به فضل الهی شاهجهان فرخنده بال باد»^۴.

رقعه بیست و دوم: در ابتدای این رقعه نوشته است مسودات سیاهه آن (رقعه) موازنه شد همان است که به خدمت رسیده: صاحب والامقام بقاءه الکرام سلامت، در

۱. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

۲. این رقعه با اختلاف در اول و آخر در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود دارد.

۳. این مورد در متن چاپی آقای نوشاهی بیستم خوانده شده و صحیح نیست.

۴. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به شماره ۵۴، ص ۹۲ وجود دارد.

این رقعہ اعلام می‌دارد مکتوب میرزا عبدالرحیم شب هفدهم رسیده و حال تحریر سه‌شنبه بیست و دوم پاسخ داده می‌شود. در این نامه بودن شیخ بهاءالدین محمد براتی را برای خود آرامش می‌داند.^۱

رقعہ بیست و سوم: این رقعہ به تاریخ دوشنبه پنج شعبان است و در آن می‌آورد (امروز که دوشنبه پنجم شعبان است مرقومه شریفه با مکتوب محمد طاهر خان صاحب سلمه الله تعالی فیض وصول بخشید در مرسله نامه شیرافکن خان صاحب نامه حاجی آقا محمد در آن بوده و تا امروز به فقیر نرسیده... ایحال دو کلمه عجالتاً به محمد طاهر خان صاحب مرقوم و ملفوف است، نواب صاحب سلمه و همگی یاران را به ابلاغ سلام فرموده عذر مرقومه علیحده طلب فرمایید. در این نامه از مشقت‌های زندگی شکوه دارد.^۲

رقعہ بیست و چهارم: این رقعہ با عنوان صاحب والامقام سلامت شروع می‌شود و در آن می‌گوید مرقومه شریفه که تحریر سی‌ام رمضان است روز پنجشنبه، ششم رسیده و هنگام تسطیر که جمعه هفتم است هنوز زندگی هست. در این رقعہ نواب صاحب و محمد طاهر خان صاحب را خالصانه سلام می‌رساند و ذکر می‌کند که پیاده حاکم که به دست یاغیان اسیر بود را با دادن رویه از قید آزاد کرده است. در این نامه همچنین ذکر می‌کند که جواب مکتوب میرزا امام قلی و میرزا عبدالرحیم را داده است و اعلام می‌دارد مکتوب حاجی صادق را دریافت کرده است ولی مکتوب میر سمیع را دریافت نکرده است. در این نامه از رابطه صرافان باهم دیگر و تعویض نامه‌ها از صرافی به صرافی دیگر خبر می‌دهد همچنین از اراضی خشک شده و استیلای عطش و بیماری‌داری شکایت دارد.^۳

رقعہ بیست و پنجم: این رقعہ به تاریخ روز یکشنبه یازدهم از سرای انباله نوشته شده است در این نامه حزین آرزو دارد که کاش ملاقات بیشتری بود که شمه‌ای از سرگذشت خود را نقل می‌نمود تا موجب عبرت شود که به یقین در روی زمین هرگز

۱. این رقعہ در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

۲. همان.

۳. همان.

به این صورت که در مملکت منحوسه است، نبوده... در پانی‌پت یک روز مقام کرده پنج شش قبضه کمان گرفته به مفلوکان رفیق قسمت شد و آن روز بنده درگاه به تعلیم کمانداری گذراند و از کرنال چون خشک محال بود دوازده نفر بهادران تفنگچی هندی هم گرفته روانه شدیم در منزل عظیم‌آباد خراب که شانزده هفده گروه راه است سواران و پیادگان به اصطلاح حرامزاده هجوم آوردند... دو سه جا که بازار گیرودار تنگ شد پیاده شده تخمیناً ربع فرسخ پیاده رفتیم تا قدرت و توان باقی نماند^۱.

رقعه بیست و ششم: این رقعه با عنوان «خان صاحب والامقام سلامت وقت تسطیر این ذریعه عصر دوشنبه بیست و یکم است، حیات باقیست، در این رقعه حزین از نرسیدن مراسلات شکایت دارد همچنین از رسیدن ملفوف خط علی قلی خان خبر می‌دهد و در پایان می‌آورد چون اصلاً حالت اطناب نبود اکتفا به این کلمات شد^۲.

رقعه بیست و هفتم: ابتدای این رقعه افتادگی دارد در ادامه رقعه می‌آید که آنچه گذشت چند کلمه در جواب میرزا عبدالرحیم مرقوم است. حزین ذکر می‌کند اینکه او مکرر فرموده بودند که قاصد او چنین و چنان [است] تا این وقت نوشته‌ای از او نرسیده [نمی‌دام] کدام صادق‌القول از صداقت کیشان دهلی خبری به خدمت عرض کرده باشد. در این نامه به نواب صاحب حکیم‌الملک ابلاغ سلام دارد همچنین سید عمادالدین خان صاحب و محمد طاهر خان صاحب و مولانا عبدالعظیم را ابلاغ سلام دارد. نامه با عبارت: «بمحمّد و آله الاطهار» خاتمه می‌یابد^۳.

رقعه بیست و هشتم: این رقعه با عنوان صاحب من جان من مراسلات سامیه رسید در هشتم ذی‌قعدة شروع می‌شود و در آن پاسخ مخاطب مبنی امکان قافیه آوردن مسکین و مشکین و همچنین عبارت دو سه عریانی چند ناشی از جهل و قلت حیای این مردم است را می‌آورد این مردم نمی‌دانند که غلط در این مقامات این فقیر از این است که [اینها] قیاس به اشتباه خود کرده‌اند و در صحت قافیه چه شبهه است و چه

۱. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به شماره ۶۴، ص ۱۰۰ با اختلاف در آخر وجود دارد.
 ۲. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به شماره ۵۸، ص ۹۶ وجود دارد، ضمناً نامبرده در رقعه مذکور «در راه» را «متر» خوانده و «همواره» را «همین» قرائت نموده است.
 ۳. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

جای تأمل در عریانی چند نیز کجا مقام شبهه است... این وقت مرا فرصت تحریر شواهد منظومه و محاورات فصحا نیست. از آن جمله است بیت خواجه کرمانی:
 دو روزی چند اگر با ما نشیند خرد از بی‌خودی خود را نبیند
 و از این قبیل است مصراع خواجه حافظ:

«حَسْبِ حَالِي نَنُوشْتِي وَ شَدِ اَيَّامِي چَند»

و ظاهر است که ایام دو سه روز است و همه عالم می‌گویند معدودی چند و حق این است که فقیر آنچه گفته‌ام برای این مردم و به امید فهم ایشان نگفته‌ام برای اهل آن است، زیاده مصدع نمی‌شوم.^۱

رقعه بیست و نهم: این رقعہ پنج سطر بیشتر نیست و با خطاب صاحب من شروع شده و عنوان می‌کند که مولچند مقداری وجه طلب نوکری دارد و سی رویه نیز به‌صرف داده شد به‌خدمت خواهد رسانید مقرر دارید ملازمان سی رویه را توسط رامجی حواله به‌مولچند نمایند.^۲

رقعه سی‌ام: ابتدای این رقعہ افتادگی دارد و مضمون آن بدین قرار است: «دو ماه رسیده از همدان رخصت شده با تمام اردو عازم بغداد و عرائص انقیاد احمد پاشا رفته و ناظم ملتان با هفتصد سوار به‌بهرگر رفته تا پت [کذا] آورد که زاید جان است از این استمالت دنباله پت دادند و او هم پذیرفت و مؤمن خان و غیره هرچند خواستند که او را نگاه دارند، دشنام شنیدند و این مأمور برفتن نزد محمد شاه است، مختلف نقل می‌کنند میرزا محمد علی ابلاغ سلام می‌کنند. دو کلمه به‌هزار محنت به‌شیرافکن خان نوشته‌ام، میرزا محمد فاضل را متوقع ابلاغ سلام و التماس دعا دارد. نامه با عبارت ایام سعادت و آرام مستدام باد، پایان می‌یابد.^۳

رقعه سی و یکم: این رقعہ را در بیست و دوم شعبان نوشته است و آرزوی دیدن شاهجهان‌آباد دارد و این‌گونه می‌نویسد: «هرگاه مستفسر احوال این شکسته بال باشند

۱. این رقعہ در مجموعهٔ رقعَات چاپی عارف نوشاهی به‌شمارهٔ ۴۷، ص ۸۶ با اختلاف وجود دارد.

۲. این رقعہ در مجموعهٔ رقعَات چاپی عارف نوشاهی به‌شمارهٔ ۴۶، ص ۸۶ وجود دارد.

۳. این رقعہ در مجموعهٔ رقعَات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد، اما قسمتی است شمارهٔ ۴۵ ایشان شبیه به‌مضماین این نامه است.

از حین ورود به این شهر الی الان که نه ماه می‌شود هر روزه جزم حرکت بود و می‌باشد و ار فرط مکاره یاد ایام اقامت در شاهجهان‌آباد می‌کنم و حسرت دارم که به مراتب اوقات خوشتر بود و هر آینه مقام حسرت عظیم است. به‌هرحال موقوف به‌مشیت الهی است.^۱

رقعه سی و دوم: این رقعه هفت سطر است و با این بیت شروع می‌شود:

به‌سنگ رخنه شد از بس گریستم بی‌تو ز سنگ سخت‌ترم من که زیستم بی‌تو

این نامه با عبارت «رضینا بقضاء الله» خاتمه می‌یابد. جنبه ادبی این نامه مطمح نظر است.

رقعه سی و سوم: این رقعه نیز نه سطر می‌باشد و جنبه ادبی آن مطمح نظر است.

در این نامه هفت بیت شعر آمده است و در پایان رقعه جمله دعایی «ادام الله عزکم و مجدکم و عمرکم» آمده است.^۲

رقعه سی و چهارم: این رقعه با عبارت «ملاذ نیازمندان سلامت» شروع می‌شود و

تصمیم حرکت خود را به‌چند روز بعد موقوف می‌داند و در پایان نامه ظهر روز جمعه را ذکر می‌کند نامه با «لا حول و لا قوه الا بالله» ختم شده است.^۳

رقعه سی و پنجم: این رقعه با عنوان: «تسلی‌بخش خاطر حزین سلامت» شروع

شده و این بیت فارسی را آورده است:

درین چمن سرکلک تو سبز باد چو سرو که شور بلبل از این شاخسار برخیزد^۴

رقعه سی و ششم: این رقعه با این بیت شروع می‌شود:

چندان بگریستیم دور از رخ تو کز مردمک دیده سیاهی بردیم

این رقعه کلاً سه سطر است.^۵

۱. نامه سی و یکم و سی و دوم از این مجموعه به‌صورت یک رقعه به‌شماره ۲۷، ص ۶۹ در مجموعه چاپی عارف نوشاهی آمده است.

۲. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به‌شماره ۲۸، ص ۷۰ با اختلاف وجود دارد.

۳. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی شماره ۱۶، ص ۶۰ وجود دارد. لازم به‌ذکر است دوشنبه، دوشنبه خوانده شده است.

۴. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به‌شماره ۱، ص ۵۴ با اختلاف وجود دارد.

۵. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به‌شماره ۱۷، ص ۶۰ وجود دارد.

رقعهٔ سی و هفتم: متن کامل این نامه ذکر می‌شود: «فدات شوم از آنجا که گستاخی‌های یک جہتان است به تصدیع دیگر هم راضی نشده ملتمس است که چون حاجت به سه چهار کس نفر خدمتکار و چند کس که سابق می‌آمدند حالا سپاهی شده‌اند اگر حکم شود که چند کس که شناخته او باشد اگر بهم رسد بیایند به هر نوع رضای ایشان باشد معمول خواهد شد و بی‌ادبی را عفو فرمایید. باقی ظلکم.

رقعهٔ سی و هشتم: ابتدای این نامه افتادگی دارد. در رقعه این‌گونه آمده است: از رهگذر نوازش مکرر در باب خانه فرموده‌اند سابق که ملاحظه شده می‌گفتند که بسیار نمناک است... و این فقیر منازل متعلقه به سرکار را اصلاً از مساکن قدیمه خود تفاوت نمی‌گذارد... لهذا حاجت به ملاحظه و انتخاب نیست لیکن دو چیز مانع، یکی از بی‌دماغی و بی‌حالی، دشواری اوطان مألوفهٔ قدیمه که همواره مأمول و مرکز خاطر آزرده است...^۱

رقعهٔ سی و نهم: در این رقعه جنبهٔ ادبی بیشتر مورد توجه است. هفت بیت در این نامه مشهود است که ابیاتی متأثر از مولانا را نیز در پی دارد.

| | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| ز بی‌تاب محبت نامه پردازی نمی‌آید | نوشتم مصرع آهی که مضمونش تو می‌دانی |
| دیروز پریشانی خود را به تو گفتم | امروز پریشان‌تر از آنم که توان گفت |
| گر قاصد دوست پرسد احوال مرا | آهی به لب آرید و جوابش بدهید |
| شب دوشین سرزلف سخن با دوست وا کردم | حکایت بود بی‌پایان به خاموشی ادا کردم |
| ای ستم‌هایت ز جان مرغوب‌تر | وی جفایت از وفا مرغوب‌تر |
| ناخوش تو خوش بود بر جان من | جان فدای یار دل زنجان من |
| نالم و ترسم که او باور کند | وز ترحم جور را کمتر کند ^۲ |

رقعهٔ چهلم: این رقعه تکرار رقعهٔ شانزدهم با همان کلمات و مضامین می‌باشد.

رقعهٔ چهل و یکم: این رقعه با عبارت «سلالة الاعاظم الکرام سلامت» شروع می‌شود و بیماری خود را باعث تعویق در ارسال جواب می‌داند. این نامه پنجشنبه هفدهم بدون ذکر ماه نوشته شده حزین می‌نویسد: اگرچه تخفیفی نیست لیکن از فرط

۱. این رقعه در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی وجود ندارد.

۲. این رقعه در مجموعهٔ رقعات چاپی عارف نوشاهی به شمارهٔ ۲۴، ص ۶۶ با اختلاف وجود دارد.

ضعف و نفاقت هنوز طاقت قلم گرفتن نیست لذا به همین دو کلمه اختصار شد، «حق سبحانه ملاقات را بزودی میسر آرد عمرکم طویل»^۱.

رقعه چهل و دوم: این رقعه نیز چهار سطر است و با خطابِ صاحب من شروع می‌شود و در متن نامه می‌آورد: به عبدالحمید خان هم پیغام کرده خواهد شد به آرام خاطر باشند که مقام به هیچ‌گونه تشویش نیست.^۲

رقعه چهل و سوم: این رقعه نیز تکرار رقعه نوزدهم است.

۱. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به شماره ۳۶، ص ۷۸ وجود دارد.
 ۲. این رقعه در مجموعه رقعات چاپی عارف نوشاهی به شماره ۳۷، ص ۷۹ وجود دارد.